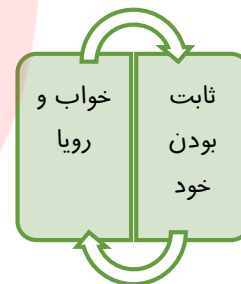


از تدبیر در آیات قرآن کریم به دست می آید که وجود انسان از دو بُعد جسمانی و روحانی تشکیل شده است.



دانشمندان نشانه ها و دلایلی بر وجود بُعد روحانی ذکر کرده اند که به دو مورد بسنده می کنیم.



الف) ثابت بودن خود: هرکس درک روشنی از «خود» دارد و در اثبات وجود چیزی که از آن تعبیر به «من» می کند به هیچ گونه استدلالی احتیاج ندارد. با آنکه در طول زندگی، شکل و قیافه و اعضا «من» تعبیر به و اندام های بدن در حال تغییر است و جسم امروز من با جسم زمان نوزادی بسیار متفاوت است، اما همان کسی هستم که سال ها پیش در فلان روز متولد شدم. بنابراین، هرکس این را در درون خود می یابد که گرچه در طول زندگی حالات گوناگون پیدا می کند اما یک محور ثابت دارد که به پشتوانه آن می گوید: گذشته آن گونه بودم و اکنون این گونه هستم. اگر شخصیت یا «من» انسان وابسته به جسم او باشد، باید در دوران عمر بارها عوض شده و به شخص دیگری تبدیل شده باشد. در صورتی که چنین نیست. هرکس این را در خود می یابد که کس دیگری جایگزین او نشده و او همواره خودش بوده است؛ و اگر کارهایی، خوب یا بد، در طول سالیان گذشته انجام داده، همه این کارها را به همین «خود» نسبت می دهد و «خود» را عامل آن کارها می داند.

قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد نیز بر پایه پذیرش همین «من» ثابت، بنا شده اند. علاوه بر این، دیده ایم که برخی انسان ها قسمت هایی از بدن خود را در حادثه ای از دست می دهند، اما نه خودشان و نه دیگران، هیچ گاه احساس نمی کنند که قدری از هویت و «من» او کم شده باشد و این نشان می دهد که ثبات هویت و «خود» ما ناشی از ثبات اندام های ما نیست.

ب) خواب و رؤیا: هرکدام از ما هنگام خواب، رؤیاهایی را مشاهده می کنیم. این رؤیاهای انواع مختلفی دارند؛ برخی، از حوادث و اتفاقات روزانه ما سرچشمه می گیرند. برخی کابوسند و صحنه هایی آشفته و بی اساس دارند، و ...

برخی از خواب ها، خبر از حوادث گذشته یا رویدادهای آینده می دهند، یا نشان دهنده مکانی هستند که هرگز در بیداری آنجا را ندیده ایم و بعدها که به آنجا می رویم، آنچه را در خواب دیده بودیم، در خارج مشاهده می کنیم. به این قبیل خوابها «رویای صادقه» می گویند. نمونه قرآنی آن ماجراهای حضرت یوسف است که دلیل راستینی بر اصالت این قبیل خوابها دارد. گاه این رؤیاهای به گونه ای است که شخص کوچک ترین سابقه ذهنی درباره آنها ندارد، به طوری که بعد از بیدار شدن آن را باور نکرده و به خواب خود اعتنا نمی کند، اما بعد از گذشت مدت زمانی، همان رؤیا با تمام جزئیات به وقوع می پیوندد و شخص را به شگفتی وا می دارد.

انسان در رویای صادقه از ظرف زمان و مکان خود خارج می شود و به زمانی در گذشته یا در آینده می رود، درحالی که جسم او در رختخواب است و چشم و گوش او چیزی نمی بیند و نمی شنود.

در فرهنگ دینی از بُعد روحانی با عنوان «روح» تعبیر شده است. همین بُعد است که به ما توانایی «انتخاب» و «تصمیم گیری» می دهد. به دنبال کمالات نامحدود است و توانایی درک واقعیات و تفکر و اندیشه به ما می بخشد. همین بُعد است که به سرمایه های اعطا شده به انسان معنا و مفهوم می بخشد و فضیلت ها و رذیلت های اخلاقی را کسب می کند و اگر به فضیلت ها آراسته شد، مقرب درگاه خدا و مسجود فرشتگان می شود و اگر به رذیلت ها تن داد، تا اعماق جهنم سقوط می کند.